

**گروه سینما و تلویزیون** –

آخرین روزهای تصویربرداری سرچوخه از تیزرز تازه‌این سریال سه‌تهیه‌کنندگی اوبافلض صفری و کارگردانی احمد معظمی رونمایی شده و چند تن از بازیگران پیشکسوت آن معرفی شدند.

ضبط درام جاسوسی اجتماعی سرچوخه که به صورت همزمان در داخل و خارج از کشور پیگیری می‌شد، آخرین روزهای خود را پشت سر می‌گذارد و عوامل سکناس‌های باقی مانده‌را تصویربرداری می‌کنند.

سامان صفاری در نقش کیان، حمیدرضا محمدی در نقش غلامرضا، آرش آصفی در نقش یک افسر ضد جاسوسی، نازنین کیوانی در نقش یک اینفلوئنسر و نیلوفر کوخانی در نقش رزینا بازیگرانی هستند که تا به حال حضور آنها در سریال رسانه‌ای شده و در کنار این ترکیب جوان، سرچوخه از بازیگران با سابقه‌ای چون حبیب‌دهقان نسب در نقش سنلارا، علی اوسپوند در نقش آقارضا، قربان نجفی ایفاگر کاراکتر رامین کشمیری، حسن اسدی به عنوان پدرکیان و علیرضا جلالی تبار در نقش طاهری بهره می‌برد.

این سریال که پس از سارق روح، ترور خاموش و خانه امن چهارمین همکاری مشترک صفری و معظمی است، در ۳۰قسمت آماده خواهد شد و

این روزها مراحل فنی را نیز پشت سر می‌گذراند.

این سریال به نویسندگی حسین امیرجہانی با روایت دو قصه موازی، به زندگی دو شخصیت غلامرضا و کیان که از دو طبقه اجتماعی مختلف با انگیزه‌ها و کشمکش‌های متفاوت هستند می‌پردازد که هر دو در راه رسیدن به عشق موانع و اتفاقات زیادی سر رامشان قرار می‌گیرد که روند رسیدن را کندتر و جذابیت‌قصر را بیشتر می‌کند. درام انتیتی-اجتماعی سرچوخه از تولیدات مرکز سیمافلم به زودی از شبکه سه سیما پخش می‌شود.

**دو بازیگر به سریال بی‌نشان پیوستند**

دو بازیگر جدید به سریال تلویزیونی بی‌نشان به کارگردانی اما قویدل پیوستند. سعیدزارعی و هلن تقی‌لو بازیگران جدیدی هستند که به جمع نقش‌آفرینان این سریال به تهیه کنندگی مرتضی زرافق کریمی اضافه شدند. سعید زارعی نقش خبرنگاری جوان با نام متین و هلن

تقی‌لو نقش منشی شرکت با نام بهار رایفاسی‌می‌کنند. ایسن‌دو بازیگر که در بی‌نشان از شخصیت‌های پیش‌برنده‌قصه هستند، قرار است در نقش‌هایی



متفاوت‌تر از آنچه‌که تاکنون بازی کرده‌اند، ظاهر شوند. سریال بی‌نشان سومین تجربه حضور سعید زارعی در تلویزیون پس از زندگی زیباست و روزگار جوانی است. وی که بیشتر در تئاتر به عنوان کارگردان و بازیگر فعالیت داشته‌است، علاوه‌بر بازی در سه فیلم کوتاه، تجربه کارگردانی شورش در شهر، آشورت و یک بیست، یک دویست

راکه آثار کوتاه هستند، دارد. هلن تقی‌لو که پیش از این در تئاتر زیبا، فیلم سینمایی

### سینما و تلویزیون

**چند خبر از صداوسیما؛**

# پیوستن بازیگران جدید به سریال‌های «سر جوخه» و «بی‌نشان»

■ **افزافه شدن بازیگران جدید به سریال‌های «سر جوخه» و «بی‌نشان»، پخش مستند مسابقه شبکه افق با عنوان «تماس» و آموزش «بازسازی در سینمای مستند» از جمله مهم‌ترین اخبار صداوسیماست.**

مغفوت‌تر از آنچه‌که تاکنون بازی کرده‌اند، ظاهر شوند. سریال بی‌نشان سومین تجربه حضور سعید زارعی در تلویزیون پس از زندگی زیباست و روزگار جوانی است. وی که بیشتر در تئاتر به عنوان کارگردان و بازیگر فعالیت داشته‌است، علاوه‌بر بازی در سه فیلم کوتاه، تجربه کارگردانی شورش در شهر، آشورت و یک بیست، یک دویست

راکه آثار کوتاه هستند، دارد. هلن تقی‌لو که پیش از این در تئاتر زیبا، فیلم سینمایی

که پیش از این جلوی دوربین فرهاد گل‌سفیدی رفته‌اند و به مرور اسامی دیگر بازیگران این پروژه رسانه‌ای خواهد شد.

**بازسازی در سینمای مستند به روایت فیلمبردار درخت گردو**

می‌رود. مهمان ویژه این قسمت از برنامه هادی پرهوز مدیر فیلمبرداری فیلم سینمایی درخت گردو از شبکه مستند پخش می‌شود. شصت و چهارمین قسمت از برنامه تلویزیونی نردبان جمعه ۲۳مهر ماه‌روی آنتن شبکه مستند

شکیبانیبا شرکت کرده و تجربیات خود را از فیلمبرداری در سینمای مستند تا رسیدن به سینمای داستانی بیان می‌کند. پرهوز مدیر فیلمبرداری سینما است که در ساخت فیلم‌های سینمایی درخت گردو، ماجرای نیمروز، رد خون، لاتاری، ایستاده در غبار و ... با محمدحسین مهدویان شرکت داشته و هم‌چنین در شبکه نمایش خانگی نیز سریال‌های هیولا و زخم کاری را فیلمبرداری کرده است. در بخش دیگری از برنامه، مورری بر مهم‌ترین آثار کاترین بیگلو کارگردان مشهور سینما شده است. این کارگردان، اولین زنی است که اسکار گرفته و برش‌هایی از فیلم‌هایش که در آنها از تکنیک‌های مستندسازی در سینمای داستانی استفاده کرده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در کارگاه تجربه نیز صحبت‌های بری اکروید (Bary Ackroyd) در رابطه با فیلم برداری در سینمای مستند و

سینما شده است. این کارگردان، اولین زنی است که اسکار گرفته و برش‌هایی از فیلم‌هایش که در آنها از تکنیک‌های مستندسازی در سینمای داستانی استفاده کرده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در کارگاه تجربه نیز صحبت‌های بری اکروید (Bary Ackroyd) در رابطه با فیلم برداری در سینمای مستند و سینما شده است. این کارگردان، اولین زنی است که اسکار گرفته و برش‌هایی از فیلم‌هایش که در آنها از تکنیک‌های مستندسازی در سینمای داستانی استفاده کرده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**ضبط درام جاسوسی اجتماعی سر جوخه که به صورت هم‌زمان در داخل و خارج از کشور پیگیری می‌شد، آخرین روزهای خود را پشت سر می‌گذارد و عوامل سکناس‌های باقی مانده‌را تصویر برداری می‌کنند.**

داستانی پخش می‌شود. نمایش و مرور برش‌هایی از فیلم‌های آخرین روزهای زمستان، ترور سرچشمه، ایستاده در غبار، ماجرای نیمروز و داستان‌هایی که می‌گوییم (stories wetell)، پیشنهاد مستندبازسازی در تئاتر جهانی و

## اقتصاد کیش

گفت‌وگو با سعید باقرزاده مدیرمسئول انتشارات لگاز بخش‌های دیگر نردبان تا رسیدن به سینمای داستانی بیان می‌کند. پرهوز مدیر فیلمبرداری سینما است که در ساخت فیلم‌های سینمایی درخت گردو، ماجرای نیمروز، رد خون، لاتاری، ایستاده در غبار و ... با محمدحسین مهدویان شرکت داشته و هم‌چنین در شبکه نمایش خانگی نیز سریال‌های هیولا و زخم کاری را فیلمبرداری کرده است. در بخش دیگری از برنامه، مورری بر مهم‌ترین آثار کاترین بیگلو کارگردان مشهور سینما شده است. این کارگردان، اولین زنی است که اسکار گرفته و برش‌هایی از فیلم‌هایش که در آنها از تکنیک‌های مستندسازی در سینمای داستانی استفاده کرده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**تماس شبکه افق با یک مستندمسابقه**
مستند مسابقه تماس در ۶۶ قسمت روی آنتن شبکه افق می‌رود. این مستند به تهیه‌کنندگی حسن اویوندپور و نویسندگی و کارگردانی صابرالله دابیان در ۶۶ قسمت در گروه اجتماعی شبکه‌افق تولید می‌شود. این مسابقه مستند در هر قسمت شرکت‌کنندگان را به چالش‌هایی سخت و حضور در یک وضعیت اجتماعی جدید دعوت می‌کند که تا بحال تجربه نکرده‌اند. آنها شرایط اجتماعی بحرانی را در خاص‌ترین نقاط کلان‌شهرهای ایران تجربه خواهند کرد. این مجموعه که مجری طرح آن جاوید کیانی و پایا فیلم توس هستند در شهرهای تهران، مشهد، چابهار، کرمان و رشت جلوی دوربین خواهد رفت.

## اگر سریال «بازی مرکب» را دوست داشتید پس این سریال‌ها را تماشا کنید



خلاصه داستان: گروهی از پسرها و دخترهای جوان راهی یک‌بعد جدید از دنیاهای موازی در یک بازی کامپیوتری می‌شوند. اما آن‌ها در این بعد عجیب گرفتار می‌شوند و نمی‌توانند به سرزمین پیشین خود بازگردند.

**برفی**

**نمره منتقدان: ۱۰ از ۱۰**

حدود هفت سال پس از ساخت فیلم «برفی» به کارگردانی بونگ جون هو، کارگردان شناخته‌شده اهل جنوبی، شبکه تی‌ان‌تی تصمیم گرفت سریال تلویزیونی این عنوان مغفوت را به‌سازد. سریال «برفی» که جنیفر کانلی را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین بازیگرانش می‌بیند، فعلا در وضعیت پایان پخش فصل دوم قرار دارد. شاید سریال «برفی» در جذب منتقدان موفق نبوده اما به نظر می‌رسد تماشاگران تلویزیونی از این سریال رضایت دارند. در شرایط مشابه با فیلم «برفی» سریال آن هم روایت جذابی را ارائه می‌دهدو احتمالا به یکی از عناوین محبوب هواداران سریال «بازی مرکب» تبدیل می‌شود.

**خلاصه داستان:** وقتی تلاش‌های دانشمندان برای مقابله با گرمایش جهانی نتیجه نمی‌دهد، فاجعه عظیمی رخ داد و سراسر کره زمین وارد عصر یخبندان شد. به همین دلیل محققان جمعیت کره زمین به دلیل این سرمای کشنده جان خود را از دست می‌دهند و تنها بازماندگان، مسافران قطاری هستند که باید برای آینده بشریت و انسان تصمیم‌گیری‌کنند.

گروه سینما و تلویزیون –سریال «بازی مرکب» این روزها به یک عنوان دوست‌داشتنی و محبوب تبدیل شده که به لطف هیجان‌بران نظیر داستان‌ش به شدت مورد توجه قرار گرفته است. اگر این سریال را دوست داشتید پس باید بدانید که عناوینی شبیه به آن هم وجود دارند که ارزش تماشا کردن دارند.

وقتی در سال ۱۹۹۷ یک بازارباب به نام مارک راندولف تصمیم گرفت برای ارسال و به اشتراک گذاری دی‌وی‌دی‌ها و نسخه‌های فیزیکی فیلم‌های سینمایی یک شرکت خصوصی را تاسیس کند، تصور نمی‌کرد کمتر از سی سال بعد مجموعه محلی او به یکی از غرورهای سرگرمی دنیا تبدیل شود. شرکت آقای راندولف با ۳۰ کارمند و کمتر از ۱۰۰۰ عنوان سینمایی فعالیت خود را در منطقه سانتا کروز ایالت کالیفرنیا آغاز کرد. ده سال بعد، تکلیف‌های یک میلیارد دلار عنوان سینمایی را به مردم فروخته بود. با آغاز سال ۲۰۱۰ میلادی، تکلیفکس با میلیون‌ها کاربر در کانادا و ایالات متحده و سایر نقاط دنیا، به یک سرویس پخش آنلاین عنوانین سینمایی و سرایایی تبدیل شد.

آن‌ها تصمیم گرفتند تجارت خود را گسترش دهند و صرفا فای‌بازپخش عناوین سایر استودیوهای سینمایی مشغول نباشند. بنابراین استودیوهای خود را تاسیس کردند تا عناوین انحصاری این سرویس استریم ساخته شوند. تکلیفکس حالا چندین سال است که به پخش فیلم‌ها و سریال‌های انحصاری خود می‌پردازد. سریال «بازی

**گروه سینما و تلویزیون** – نویسنده سریال «افرا» از ویژگی‌ها و دلایل تأثیرگذاری قصه این مجموعه روی مخاطبان گفت. سریال تلویزیونی «افسرا» به کارگردانی بهرنگ توفیقی و تهیه‌کنندگی مشترک مجید مولایی و محمد کامبیز داریی، روی آنتن شبکه یک سیما رفت. مهدی سلطانی، پژمان بازغی، مینا وحید، روزبه حساری، فریبا متخصص، اسماعیل محرابی، پیام دهکردی، علیرضا آرا، نسرین بابایی، محمد صادقی، هامون سیدی، سارا باقری، مهر داد بخشی، آریا دلغانی، فیهمه مومنی، بهمن صادق حسینی و ... گروه بازیگران سریال «افرا» بودند. «فرزاد فرزانه» نویسنده سریال «افرا» درباره فیلمنامه و حواشی آن صحبت کرد که در ادامه می‌خوانید؛

**آقای فرزانه: با آغاز سریال ما قصه عشق دو جوان را شاهد هستیم و اتفاقاتی که برای آن‌ها رخ داد؛ همسان قسمت‌های اول افرا با استقبال مخاطبان مواجه شد. انتظار چنین استقبالی را داشتید؟**

بله؛ ما منتظر چنین استقبالی بودیم! دلایل مهم این بود که افرا قصه‌ای که روزی را برای مخاطب تعریف می‌کند. مساز مفاهیم کهن در داستان‌گویی، چون عشق، نفرت، انتقام، حقیقت و گذشت بهره جستیم؛ اما این الگوهای کهن را در دل یک داستان ملموس و واقعی، برای مخاطب بازگو کردیم. یکی از کامنت‌هایی که من به صورت مکرر از مخاطبین می‌گرفتم این بود که «ایسرازی می‌کردند می‌توانند بخشی از سرگذشت خود را، در دل یکی از کاراکترهای سریال پیدا کنند؛ بنابراین به نظر من کنار تمام نقاط قوت و ضعف فیلمنامه، این یکی

از ویژگی‌های مهم افراست که قصه اش برای مخاطب «ساختگی» به نظر نمی‌رسد. مخاطب افرا می‌تواند آن را باور کند و با آن همذات‌پنداری کند. مسئله اجرای متن نیز در کنار قصه، بسیار حیاتی است؛ از کارگردان به شدت مسلط و بازیگرانی کاربلد گرفته تا تهیه‌کنندگانی که پیش از این کارهای پر مخاطبی ساخته بودند. از گروه افرا یک تیم امتحان پس داده ساخته بود؛ فریبا متخصص، اسماعیل محرابی، پیام دهکردی، علیرضا آرا، نسرین بابایی، محمد صادقی، هامون سیدی، سارا باقری، مهر داد بخشی، آریا دلغانی، فیهمه مومنی، بهمن صادق حسینی و ... گروه بازیگران سریال «افرا» بودند.

**در قسمت دوم با فوت پیمان مخاطبان شوکه شدید. اما همراه سریال بودند دلیلش جذابیت قصه بود؟**

افرا فیلمنامه‌ای بسیار دشوار بود. مخصوصا برای کار اول یک نویسنده. یکی از این دشواری‌ها، اتفاقی است که به آن اشاره کردید. در طول دو سالی که نگارش فیلمنامه به طول انجامید، بارها به مسئله مرگ پیمان در قسمت ده داستان فکر کردم، و هر بار به این نتیجه رسیدم که به لحاظ دراماتیک، انتخابی درست است. توجه کنید که برای هر نویسنده‌ای، حذف یکی از کاراکترهای اصلی داستان، در حالی که تنها یک چهارم قصه را تعریف کرده ایم، یک ریسک بسیار بزرگ است. آن هم کاراکتری بسیار همدلی‌برانگیز، چون پیمان. پیمان اگرچه در رفتن به جنگل به به کاری خلاف می‌زند، اگرچه تصمیمی عجولانه و غیر اصولی می‌گیرد، اما پیش از این دیده‌ایم که ذاتا فردی خلاق‌کار نیست. بگذرید یادآوری کنم که پیمان وقتی راننده یدک‌کش می‌شود، تصمیم می‌گیرد که یک راه ماینر را برای پول درآوردن طی کند، سطح جاده را لغزنده می‌کند تا ماشین‌ها روی آن لیز بخورند و نیاز



به یدک‌کش داشته باشند، اما بلافاصله

از تصمیمش پشیمان می‌شود و جلوی ماشین‌های در حال عبور را می‌گیرد. اینجا اگرچه پیمان خود را در موقعیتی قرار داده‌که از نظر اخلاقی صحیح نیست، اما در همان لحظه با یک تصمیم اخلاقی، جلوی ادامه کار خلاف او را می‌گیرد. همین جزئیات است که پیمان را، برای مخاطب سَمپاتیک می‌کند. تماشاگر، جنگل رفتن او را بر خلاف کاراکتری، چون مهران، به پای جوئی و خمی‌اش می‌گذارد؛ بنابراین مرگ او نیز برای مخاطب به اتفاقی شوک‌آور بدل می‌شود. اتفاقی که کمتر با نمونه‌های مشابه آن در سریال‌های ایرانی مواجه شده بود. همراه با خروج پیمان از قصه، مسعود نیز به عنوان نداشته‌ایم، پر کردن این خلأ، یکی از انگیزه‌های مهم مسا بود. ضمنا محیط باتی، شغلی بسیار دشوار است. نوعی عشق و از خودگذشتگی و فداکاری در این شغل وجود دارد که آن را به خودی خود، تبدیل به موقعیتی دراماتیک می‌کند. هنگام نوشتن فیلمنامه، بارها به این موضوع فکر می‌کردم که چه

در مجموع آنقدر ملتفت است که تماشاگر را حتی بعد از مرگ پیمان، تا پایان با خود همراه کند.

**درباره تیم نویسندگی افرا بفرمایید؟**
طرح داستان برای دو تن از دوستان (حسین دوماری و پادرام پور امیری) است و من کار نگارش فیلمنامه را بر عهده داشتم. ضمنا مجید مولایی نقش بسزایی در شکل‌گیری داستان ایفا کرد. **چرا سراغ محیط بانان رفتید و نظر خود محیط بانان با دیدن سریال چه بود؟**
ما پیش از ایسن در سینما و تلویزیون ایران، داستانی که به شکلی مفصل و عمیق به محیط بانان بپردازد نداشته‌ایم. پر کردن این خلأ، یکی از انگیزه‌های مهم مسا بود. ضمنا محیط بانان، شغلی بسیار دشوار است. نوعی عشق و از خودگذشتگی و فداکاری در این شغل وجود دارد که آن را به خودی خود، تبدیل به موقعیتی دراماتیک می‌کند. هنگام نوشتن فیلمنامه، بارها به این موضوع فکر می‌کردم که چه

**قصه «افرا» برای مخاطب ساختگی نبود؛**

## کاراکترهایی که یک شبه متحول نشدند



روح بزرگی می‌طلبد که انسانی، جان خوش را بسا کمترین امکانات ممکن، برای حفظ سرمایه‌های طبیعی کشورش، هر روز به خطر بیندازد.

**در بخشی از قصه شما به پژوهشگران و مشکلات آن‌ها هم پرداختید. شاید برای اولین بار بسود این قدر صریح درباره خطای پژوهش صحبت می‌شد. نظر خود پژوهشگران چگونه بود؟**

ما از حساسیت‌های این موضوع مطلع بودیم، اما جای خالی آن را هم در آثار نمایشی مان حس می‌کردیم. نکته اساسی داستان ما این است که اگر پژوهشگران برای پیشرفت و رفاه مردم دچار قصور پژوهشی شده‌اند، اما تماشاگر به وضوح در می‌یابد که او تمام تلاشش را برای نجات بیمارش کرده است، از این رو متهاب در دادگاه ذهنی تماشاگر تیرنه می‌شود. من انتقاداتی که از طرف بعضی از دوستان شده است را با جان و دل می‌شنوم، اما نکته ر است احتما باید در نظر گرفت، یک درام از اما بازسازی واقعبینست. درام اگرچه تا حد ممکن از واقعبین بهره می‌گیرد تا جهانی باورپذیر خلق کند، اما در نهایت وظیفه اش داستان‌گویی است. داستانی که خود، دارای

منطقی درونی است.

**قصه از یک جایی به بعد آن شور و شوق را نداشت حتی در قسمت‌های پایانی خیلی تلخ و کنش دار بود؟**

درباره تلخی داستان بسیار از من پرسیده‌اند. من سریال‌های فراوانی را به یاد می‌آورم که داستان‌هایی بسیار تلخ‌تر از افرا روایت کرده‌اند. قصه افرا اگرچه تراژیک است، اگرچه در همان ابتدا مخاطب را با مرگ کاراکتر اصلی شوکه می‌کند، اما با بخشش تمام می‌شود. دور شدن وحید در سکناس پایانی، بازگشت او به زندگی پوشونده است، به شکلی پارادوکس گونه چشم‌ان او را به روی حقیقت باز کرده است. معتمد محید وحید برای شلیک هوایی در سکناس فیلم، یک تصمیم عمیقاً اخلاقی ست. اینکه می‌توان در آوج خشم، بخشید. در اوج نفرت، حتی با تفنگی آماده شلیک در دست، باز هم گذشت کرد. به این ترتیب بسا وجود تنش و تعلیق فراوان سکناس، و با وجود تلخی‌هایی که در ذات تراژیک قصه افراست، کنش نهایی برای سکناس، به شدت امید بخش را به تماشاگر منتقل می‌کند. پایان افرا، پایانی امید بخش است. ما شاهد تغییر در شخصیت برخی‌ها در سریال بودیم مثل حاج محمود، مانده، حتی وحید. فردی که مطیع بود و به یک فرد یغی تبدیل شد. تغییر در دراماتیک کاراکتر، لازمه هر روایت درونی در ابتدای روایت در نقطه الف قرار دارد، باید در بخش پایانی روایت، در نقطه ب یا جیم یا دال باشد. وجود این تغییر الزامی است، اما چگونگی آن است که مهم است. الگویی که گرفتار شده است، رها می‌کند.

## اظهارنامه اشخاص حقیقی و حقوقی

حسابداری، حسابرسی، بیمه تأمین اجتماعی، خرید و فروش فصلی، مالیات بر ارزش افزود، حقوق و دستمزد

تلفن همراه: ۰۷۶-۰۵۷۱۷۳-۷۰۹۱۲۰۰

تلفن مرکز: ۰۷۶-۰۴۴۶۱۱۵۱

## شرکت آریا اطلس کیش

آدرس: خیابان ساحل بازار دیپلمات طبقه اول تجاری واحد ۱۰۹